

ارزیابی تأثیر برنامه‌های ترویجی بر مشارکت زنان روستایی در فعالیتهای کشاورزی (مطالعه موردی: دهستان استرآباد شمالی شهرستان گرگان)

حمید برقی - استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران
رقیه تازیکی^۱ - دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران
رمضان طوسی - دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران
تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۱۱/۲۸ صص ۷۵-۹۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۸/۲

چکیده

هدف از انجام این پژوهش، ارزیابی تأثیر برنامه‌های آموزشی و ترویجی در میزان مشارکت زنان روستایی در فعالیتهای کشاورزی (دهستان استرآباد شمالی) است. برای دستیابی به این هدف از روش تحقیق توصیفی - تحلیلی استفاده شده است. جامعه آماری این تحقیق شامل همه زنان روستایی بالای ۲۰ سال است که با استفاده از فرمول کوکران، تعداد ۲۰۶ زن روستایی به عنوان نمونه در ۶ روستای دهستان استرآباد شمالی به صورت تصادفی مورد پرسشگری قرار گرفتند. ابزار تحقیق پرسش‌نامه‌ای بود که روایی آن براساس نظر گروهی از کارشناسان تأیید شد و برای تعیین میزان پایایی مقیاس اصلی پرسش‌نامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده گردید (۰/۷۶). داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار spss تجزیه و تحلیل شدند. در این پژوهش، بر روی میانگین میزان مشارکت زنان در فعالیتهای مختلف کشاورزی و تأثیر فعالیتهای آموزشی و ترویجی بر میزان مشارکت زنان روستایی در فعالیتهای مختلف کشاورزی بحث شده است. نتایج نشان داد در جامعه مورد مطالعه، میانگین کل مشارکت زنان در فعالیتهای مختلف معادل ۲/۰۴ به دست آمد که براساس

^۱. نویسنده مسؤل: Email: taziki_r_1390@yahoo.com

آزمون T میانگین مشارکت کمتر از حد متوسط است. همچنین، نتایج حاصل حاکی از این هستند که بیشترین مشارکت زنان در امور دامداری با میانگین ۳/۲۹، در امور باغداری با میانگین ۲/۵۲ و در امور زراعی با میانگین ۲/۳۷ که نشان‌دهنده مشارکت بیشتر زنان روستایی در فعالیت‌های دامداری است. براساس آزمون Anova عواملی چون سن، سواد، بعد خانوار و وضعیت تأهل با میزان مشارکت زنان رابطه معناداری دارند. برنامه‌های آموزشی و ترویجی نیز با ۳/۰۲، نشان‌دهنده تأثیر بیشتر برنامه‌های آموزشی و ترویجی در بیشتر شدن میزان مشارکت زنان در فعالیت‌های مختلف کشاورزی هستند. ۶۳/۶٪ از زنان روستایی پاسخ‌گو به پرسش‌نامه بیان کردند که تأثیر برنامه‌های آموزشی و ترویجی در مشارکت زنان در فعالیت‌های مختلف کشاورزی می‌تواند به‌طور متوسط تأثیرگذار باشد.

کلیدواژه‌ها: زنان روستایی، برنامه‌های آموزشی و ترویجی، مشارکت زنان روستایی، فعالیت‌های کشاورزی، دهستان استرآباد شمالی.

۱. مقدمه

۱.۱. طرح مسئله

مطالعات و مشاهدات انجام‌شده در زمینه زنان روستایی حاکی از آن هستند که زنان کشاورز با داشتن تجربه و دانش بومی درباره محصولات غذایی، نقش بسیار مهمی در کشاورزی به‌عهده دارند. بیشتر کشاورزان معیشتی جهان را زنان تشکیل می‌دهند که تولید ۵۰٪ تا ۶۰٪ از غذای جهان را به‌عهده دارند (شاهرودی و همکاران، ۱۳۸۵: ۱۴۴). طبق آمار و سرشماری سال ۱۳۸۵، سهم زنان روستایی کشور ما در اشتغال حدود ۱۳٪ اعلام شده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۶: ۱۳۱). واقعیت انکارناپذیر این است که به‌طور متوسط حدود ۴۰٪ از نیروی کار و فعالیت‌های کشاورزی را زنان تأمین می‌کنند (بوذرجمهری و همکاران، ۱۳۸۹: ۷۰). در کشورهای توسعه‌یافته، ۳۶٪ و در کشورهای درحال توسعه، ۴۴٪ از نیروی کار کشاورزی را زنان تشکیل می‌دهند (لاکمان^۱ و همکاران، ۲۰۰۶: ۱). آموزش به‌عنوان رکن اساسی توسعه

ملل، مهم‌ترین فعالیت در توسعه زنان روستایی محسوب می‌شود. در این راستا، برنامه‌های آموزشی کشاورزی در صورتی که با پیش‌بینی، برنامه‌ریزی و اجرای خوب همراه باشند، در افزایش کیفی و کمی محصولات کشاورزی و در نهایت، بهبود درآمدهای خانوارهای روستایی نقش اساسی دارند (گل‌محمدی و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۹۵). هدف از آموزش به روستاییان، افزایش سطح اقتصاد کلی روستا، افزایش سطح کمیت و کیفیت تولید روستایی، انتخاب نوع تولید، با توجه به امکانات بالقوه موجود در هر روستا و ایجاد تفاهم و دوستی برای بالابردن سطح تعاون در روستا است (میرزایی و شهیدی، ۱۳۸۶: ۲-۱). تحقیق حاضر با هدف ارزیابی تأثیر برنامه‌های آموزشی و ترویجی در میزان مشارکت زنان روستایی در فعالیتهای کشاورزی در شهرستان گرگان انجام شده است؛ بنابراین، سؤالات پژوهش عبارت‌اند از: میزان مشارکت زنان روستایی منطقه در فعالیتهای مختلف کشاورزی، دامداری و باغداری چگونه است؟ عوامل تأثیرگذار بر مشارکت زنان روستایی در فعالیتهای مختلف کشاورزی کدام‌اند؟ برنامه‌های آموزشی و ترویجی تا چه میزان می‌توانند در بیشتر شدن مشارکت زنان در فعالیتهای مختلف کشاورزی تأثیرگذار باشند؟

۲.۱. پیشینه تحقیق

سها و مادر^۱ (۲۰۰۱) در مقاله خود با عنوان «عوامل مؤثر بر آموزش و مشارکت زنان روستایی راجستان هند» به این نتیجه دست یافته‌اند که تأثیر تسهیلات بر ساختار شغلی زنان هنگامی که بیشتر آنان به فعالیتهای کشاورزی مشغول هستند، ناچیز است. اندازه زمین نقش مهمی در مشارکت زنان ایفا می‌کند و زنانی که به طبقه اقتصادی پایین‌تری متعلق هستند و درآمد ناچیزی دارند، زمان بیشتری را به فعالیتهای کشاورزی و دامداری اختصاص می‌دهند. بالا و شارام^۲ (۲۰۰۸) به مطالعه نقش زنان روستایی در باغبانی پرداخته‌اند. نتایج نشان داد که برای افزایش بهره‌وری، زنان مورد مطالعه نیاز به آموزش از طریق مروجان زن و استفاده

1. Saha & Mather
2. Bala & Sharam

از فناوری مناسب دارند. همچنین، تعاونی‌ها و سازمان‌های محلی می‌توانند فعالیت‌های آن‌ها را بهبود بخشند.

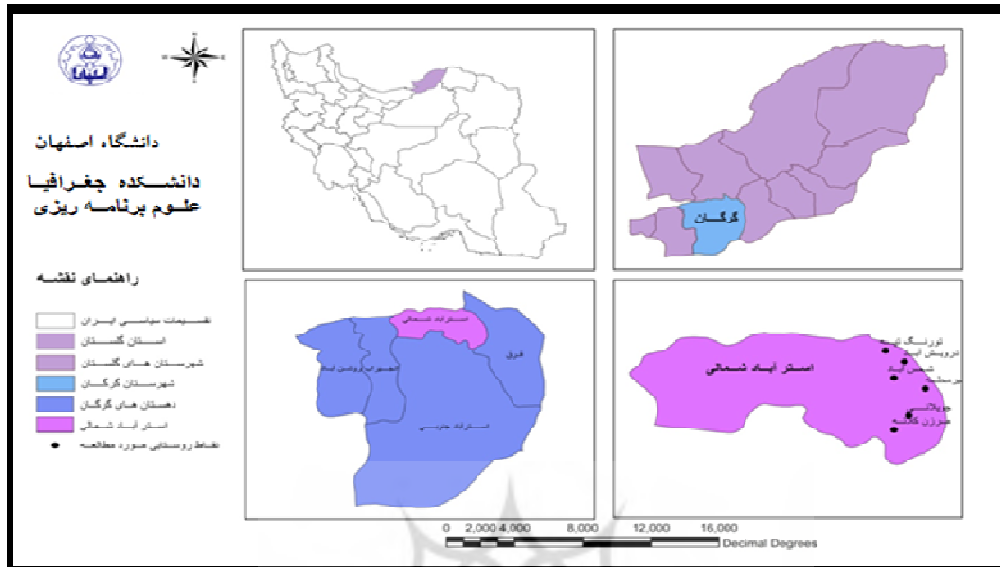
حسین‌نیا و ملک‌محمدی (۱۳۸۰) در مقاله خود با عنوان «بررسی نگرش زنان روستایی به فعالیت‌های کشاورزی، دامداری، صنایع دستی محیط روستا و برنامه‌های آموزشی-ترویجی» به بررسی نگرش زنان روستایی نسبت به فعالیت‌های اقتصادی ذکر شده در محیط روستا و برنامه‌های آموزشی-ترویجی پرداخته‌اند.

میرک‌زاده و همکاران (۱۳۸۹) در تحقیقی با عنوان «واکاوی موانع مشارکت زنان روستایی در برنامه‌های آموزشی و ترویجی» نشان داد که مهم‌ترین موانع مشارکت زنان روستایی در بعد فرهنگی است. همچنین، نتایج بیانگر این بود که بین دیدگاه زنان روستایی برحسب سواد و سن نسبت به سازه‌های مؤثر، در بعضی موارد اختلاف معناداری مشاهده می‌شود.

۲. روش‌شناسی تحقیق

۲.۱. قلمرو جغرافیایی تحقیق

شهرستان گرگان در بخش جنوبی استان گلستان واقع شده است. وسعت شهرستان گرگان ۱۶۱۵/۸۱ کیلومتر مربع (۷/۹۱٪ از مساحت استان و به عبارت دیگر، رتبه چهارم از نظر وسعت در بین شهرستان‌های استان) است. براساس تقسیمات کشوری صورت گرفته از سال ۱۳۸۳، این شهرستان از ۲ بخش (مرکزی و بهاران)، ۲ شهر (گرگان و سرخنکلاته)، ۵ دهستان، ۹۸ آبادی مسکونی و ۱۴ آبادی غیرمسکونی تشکیل شده است (استاندارد گلستان، ۱۳۹۰). از کل جمعیت شهرستان گرگان، حدود ۳۷٪ در نواحی روستایی و حدود ۶۳٪ در نواحی شهری سکنی گزیده‌اند؛ نسبت جنسی مرد و زن آن حدود ۱/۰۳٪ در نواحی روستایی و ۱/۰۲٪ در نواحی شهری است و در دهستان استرآباد شمالی حدود ۵۰/۷۱٪ را مردان و ۴۹/۲۹٪ را زنان تشکیل می‌دهند (مرکز بهداشت شهرستان گرگان، ۱۳۹۱).



شکل ۱- نقشه موقعیت روستاهای مورد مطالعه

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۱

۲.۲. روش تحقیق

تحقیق حاضر از نظر هدف، کاربردی و از لحاظ میزان و درجه کنترل، میدانی و از حیث نحوه جمع‌آوری اطلاعات از نوع تحقیقات توصیفی و غیرتجربی (غیرآزمایشی) است. دهستان استرآباد شمالی که یکی از پنج دهستان واقع در شهرستان گرگان، استان گلستان است، قلمرو جغرافیایی این تحقیق را شکل می‌دهد. انتخاب این محدوده مطالعاتی به دلیل فعالیت بیشتر زنان روستایی منطقه در امور کشاورزی است. براساس آخرین سرشماری، این روستاها در مجموع دارای ۱۲۵۳ خانوار بوده‌اند که زنان سرپرست این تعداد خانوار به‌عنوان واحد تحلیل آماری در نظر گرفته شده‌اند. در این پژوهش از نمونه‌گیری تصادفی ساده استفاده شده است. حجم نمونه، شامل تعداد ۲۰۶ نفر از زنان روستایی است که در ۴ روستای دهستان استرآباد شمالی زندگی می‌کنند. ابزار اصلی تحقیق پرسش‌نامه است که روایی گویه‌ها به تأیید اعضای هیئت علمی دانشگاه رسید. پایایی پرسش‌نامه‌ها براساس آلفای کرونباخ و با استفاده از

نرم افزار SPSS بررسی شد (۰/۷۶) که نشان‌دهنده میزان قابلیت بالای اعتماد و اطمینان ابزار تحقیق بود. سپس، بر مبنای نتایج، تغییرات لازم در پرسش‌نامه یادشده صورت گرفت. روستای چوپلانی با تعداد ۱۱ پرسش‌نامه، ۵٪ از کل حجم نمونه، روستای میرمحلله با تعداد ۴۷ پرسش‌نامه، ۲۳٪، روستای شمس‌آباد با تعداد ۲۳ پرسش‌نامه، ۱۱٪، روستای درویش‌آباد با تعداد ۱۶ پرسش‌نامه، ۸٪، روستای تورنگ تپه با تعداد ۲۸ پرسش‌نامه، ۱۴٪ و روستای مرزنکلاته با تعداد ۸۱ پرسش‌نامه، ۳۹٪ از حجم کل نمونه را به خود اختصاص داده‌اند. برای تجزیه و تحلیل آماری، از آمار توصیفی (میانگین و انحراف معیار) و همچنین آمار استنباطی شامل آزمون T-Student و آزمون Anova، برای شناسایی عوامل مؤثر بر مشارکت زنان در فعالیت‌های کشاورزی استفاده شده است.

۳. مبانی نظری تحقیق

بیشتر نظریه‌پردازان توسعه، مشارکت را جزء ضروری توسعه می‌دانند. گای (۱۳۷۱) در تدوین نظریات مشارکت، بر یک موضوع بسیار مهم تأکید می‌کند و آن کوشش‌های آگاهانه و عمده گروه‌های اجتماعی برای کنترل سرنوشت و شرایط زندگی خویش است که یکی از مهم‌ترین معیارهای آن میزان مشارکت زنان در تصمیم‌های مربوط به تولید و امور خانواده می‌باشد. قدرت تصمیم‌گیری از ابعاد بسیار مهم مشارکت است (میرکزاده و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۵۰-۱۴۹). مشارکت به‌عنوان مهم‌ترین عنصر دست‌یابی به اهداف عمران روستایی، از اهمیت خاصی برخوردار است. مشارکت در برنامه‌های آموزشی-ترویجی به‌عنوان یکی از عوامل انکارناپذیر فرایند توسعه روستایی، ضرورتی مهم است که خود به‌عنوان پیش‌نیاز بهره‌مندی از مزایای آموزش‌های ترویجی، برای دست‌یابی به اهداف توسعه مطرح است. هم‌زمان با مشارکت فراگیر لایه‌های روستایی در برنامه‌های توسعه روستایی به‌طور عام و برنامه‌های ترویجی به‌طور خاص، مشارکت زنان روستایی نیز مسئله بسیار مهم و درخور تأملی است. مسئله مشارکت زنان روستایی می‌تواند تأثیر مهمی بر فرایند توسعه و درپیش‌گرفتن سیاست‌های مربوط داشته باشد؛ اما تنگناها و محدودیت‌های موجود این مسئله را به مسئله پیچیده‌ای

تبدیل کرده است (علی‌بیگی و بنی‌عامریان، ۱۳۸۸: ۱۱۶). ترویج عبارت است از یک نظام خدمات آموزشی که روستاییان را از طریق بهبود روش‌ها و فنون کشاورزی و افزایش کارایی تولید و درآمد، ارتقای سطح زندگی و بالابردن استانداردهای اجتماعی و آموزشی جامعه روستایی تحت تأثیر قرار می‌دهد. واژه «برنامه» به معنای آگاهانه کردن و دانستن روند فعالیت‌ها است؛ این آگاهی شامل اطلاع از وضعیت نقطه شروع فعالیت و جوانب آن تا نقطه پایان و تمام عوامل مؤثر بر فعالیت و مراحل است که در این مسیر طی می‌شود (تبرایی و حسن-نژاد، ۱۳۸۸: ۶۰). داس (۱۳۷۳) معتقد است که زنان کشاورز ساکن یک روستا در یک گروه همگن نیستند و دارای شرایط متفاوتی قرار دارند. به همین دلیل برای ایجاد انگیزه در زنان برای مشارکت در برنامه‌های ترویجی باید شرایط ویژه‌ای را مدنظر قرار داد.

مید^۱ و همکاران (۲۰۰۱) معتقدند که زنان کم درآمد روستایی دارای تحصیلات کمی هستند و همین یکی از دلایل فقر آنها است. لئونارد^۲ (۲۰۰۱) گزارش کرد که زنان روستایی کمتر به مشاغل رسمی و اداری وارد می‌شوند که این ریشه در کمی تحصیلات و مسائل قومی و فرهنگی دارد. منفرد (۱۳۷۴) به نقل از اشپی بیان می‌دارد که خدمات ترویج کشاورزی به سوی مردان گرایش یافته است؛ درحالی‌که مدیریت بیشتر مزارع در دست زنان است. از موانع مهم مشارکت زنان نبود تناسب میان محتوای برنامه‌ها و کلاس‌های ترویجی با نیاز زنان روستایی است. حسینی‌نیا (۱۳۷۸) به بررسی عوامل دموگرافیک مؤثر بر مشارکت در فعالیت‌های آموزشی، ترویجی و مشارکتی با تأکید بر مشارکت زنان روستایی پرداخته است. به باور وی، امروزه مشارکت روستاییان در امور مربوط به توسعه روستایی به عنوان تبلور عینی رفتارهای مطلوب انسانی، برای دستیابی به اهداف توسعه مطرح می‌باشد. مشارکت در برنامه‌های آموزشی و ترویجی به عنوان یکی از عوامل انکارناپذیر فرایند توسعه روستایی، ضرورت مهمی است که نیازمند بهره‌مندی از مزایای آموزش‌های ترویجی، برای دستیابی به اهداف و فعالیت‌ها است.

1 . Mead

2 . Leonard

۴. یافته‌های تحقیق

نتایج حاصل از یافته‌های توصیفی حاکی از این است که براساس سن، ۳۹/۸٪ از افراد مورد مطالعه بین ۲۰ تا ۴۰ سال، ۵۸/۳٪ بین ۴۰ تا ۶۰ سال، ۱/۵٪ از ۶۰ سال به بالا هستند. از نظر وضعیت تأهل، ۴/۲٪ مجرد و ۹۵/۲٪ متأهل می‌باشند. از بعد سطح تحصیلات، ۴۴/۲٪ بی‌سواد و ۴۴/۷٪ سیکل، ۶/۲٪ دیپلم و ۳/۶٪ فوق‌دیپلم هستند. از حیث شغل، ۷۶/۳٪ خانه‌دار، ۱٪ کارمند و ۲۲/۲٪ دارای مشاغل دیگر می‌باشند. براساس بعد خانوار، ۳۰/۶٪ بین ۲ تا ۴ نفر، ۵۵/۳٪ بین ۴ تا ۶ نفر و ۱۰/۷٪ از ۶ نفر بیشتر هستند.

طبق جدول شماره (۱)، در امور کشاورزی بیشترین مشارکت زنان در مرحله برداشت محصول با ۶۵/۷٪ و کمترین مشارکت مربوط به مرحله قبل از کاشت محصول با ۰/۵٪ است. در امور دامداری، بیشترین مشارکت مربوط به نظافت دام و طویله با ۵۶/۱٪ و کمترین مشارکت مربوط به چرای دام با ۰٪ می‌باشد. در امور باغداری بیشترین مشارکت مربوط به برداشت محصول با ۷۹/۲٪ و کمترین آن مربوط به مرحله کاشت محصول با ۵/۱۷٪ است. در فعالیت‌های دیگر، بیشترین مشارکت در خیاطی با ۳۳/۸٪ و کمترین مشارکت مربوط به سایر فعالیت‌ها با ۱۴٪ می‌باشد.

جدول ۱- مشارکت زنان روستایی دهستان استرآباد شمالی در فعالیت‌های مختلف

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۱

مشارکت	مراحل مشارکت زنان روستایی	تعداد گویه
میانگین مشارکت در فعالیت‌های کشاورزی ۲۴٪	مرحله قبل از کاشت (۰/۵)، مرحله کاشت (۱۰/۳)، مرحله داشت (۴۰/۷)، مرحله برداشت (۶۵/۷)، مرحله نگهداری (۶/۳)، مرحله فروش (۱/۹) مرحله درآمدزایی (۲۸/۱)، کلاس‌های آموزشی - ترویجی (۳۸/۲)	۸
میانگین مشارکت در فعالیت‌های امور دامداری ۳۷٪	چرای دام (۰)، دوشیدن شیر (۴۰)، نظافت دام و طویله (۵۶/۱)، درآمدزایی (۵۰)	۴
میانگین مشارکت در فعالیت‌های امور باغداری ۲۶٪	مرحله کاشت (۵/۱۷)، مرحله داشت (۲۰/۵)، مرحله برداشت (۷۹/۲)، مرحله نگهداری (۱۰)، مرحله فروش (۱۴/۹)، مرحله درآمدزایی (۲۵/۱)	۶
میانگین مشارکت در فعالیت‌های دیگر ۲۲٪	خیاطی (۳۳/۸)، آرایشگری (۲۳/۲)، مغازه‌داری (۱۵)، سایر (۱۴)	۴

۴. ۱. وضعیت مشارکت زنان روستایی منطقه در فعالیت‌های مختلف (کشاورزی، دامداری و

باغداری)

براساس جدول (۲) که شاخص پراکندگی مشارکت در فعالیت‌های مختلف کشاورزی توسط پاسخ‌گویان زن را نشان می‌دهد، میانگین مشارکت در فعالیت‌های کشاورزی توسط زنان برابر با ۲/۳۷ است. همچنین، میانگین مشارکت در فعالیت‌های دامداری توسط زنان برابر با ۳/۲۹ و میانگین مشارکت در فعالیت‌های باغداری توسط زنان برابر با ۲/۵۲ است که بیشترین میانگین فعالیت با (۳/۲۹) مربوط به فعالیت دامداری است و کمترین آن مربوط به فعالیت کشاورزی با ۲/۳۷ است.

جدول ۲- شاخص‌های پراکندگی مشارکت زنان در فعالیت‌های مختلف

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۱

مشارکت	N تعداد کل معتبر	Mean میانگین	Std.Deviation انحراف معیار
کشاورزی	۲۰۶	۲/۳۷	۰/۷۸
دامداری	۲۰۶	۳/۲۹	۱/۱۹
باغداری	۲۰۶	۲/۵۲	۱/۱۷

براساس جدول (۳) که توزیع پاسخ‌گویان زن را برحسب مشارکت در فعالیت‌های مختلف نشان می‌دهد، میانگین مشارکت زنان در فعالیت‌های کشاورزی، دامداری و باغداری برابر با ۲/۰۴ است و این نشان می‌دهد که مشارکت زنان در نمونه آماری، کمتر از حد متوسط است.

جدول ۳- میانگین مشارکت زنان روستایی در فعالیت کشاورزی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۱

گویه	N تعداد	Mean میانگین	انحراف معیار Std.Deviation	انحراف از میانگین Std.Error Mean
توزیع پاسخ‌گویان	۲۰۶	۲/۰۴	۰/۴۵	۰/۴۵

براساس جدول (۴)، برای مشخص شدن این موضوع که مشارکت زنان در منطقه بالاتر از حد متوسط است یا خیر، از آزمون تی تست استفاده شده است. برای تأیید این فرضیه، دو شرط بایستی برقرار باشد: نخست اینکه، با توجه به مقیاس مشارکت که از صفر تا پنج است، باید میانگین مشارکت زنان در فعالیت‌های مختلف در نمونه آماری بزرگ‌تر از عدد ۳ باشد؛ و دوم اینکه، سطح معناداری کوچک‌تر از ۰/۰۵ باشد. با توجه به اینکه شرط اول برقرار نیست و

میانگین مشارکت زنان در فعالیتهای مختلف در نمونه آماری کمتر از حد متوسط است، بنابراین فرضیه مورد نظر تأیید نمی‌شود و قابل تعمیم به جامعه آماری نیست.

جدول ۴- میانگین مشارکت زنان در فعالیتهای کشاورزی با آزمون (One-Sample Test)

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۱

مشارکت	مقدار t	درجه آزادی (df)	سطح معناداری دوسویه	تفاوت میانگین
	۳۰/۰۷۲-	۲۰۵	۰/۰۰۰	-/۹۵۱۰۴

۲.۴. عوامل تأثیرگذار بر مشارکت زنان روستایی

برای یافتن رابطه همبستگی بین متغیر وابسته میزان مشارکت زنان و متغیرهای مستقل سن، سواد، بعد خانوار، درآمد و مالکیت، از آزمون Anova استفاده شد که نتایج حاصل در جدول شماره (۵) ارائه شده است:

جدول ۵- رابطه همبستگی میان مشارکت زنان روستایی و عوامل فردی خانوادگی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۱

مشارکت	سن	سواد	بعد خانوار	وضعیت تأهل	شغل	مالکیت اراضی
آزمون Anova	۵/۵۹۰	۸/۰۳۶	۴/۰۲۲	۹/۵۳۵	۰/۹۸۲	۲/۳۲۰
Sig (2-tailed)	۰/۰۰۴	۰/۰۰۱	۰/۰۱۹	۰/۰۰۲	۰/۳۷۶	۰/۰۵۹
تعداد	۲۰۶	۲۰۶	۲۰۶	۲۰۶	۲۰۶	۲۰۶

نتایج جدول شماره (۵) نشان می‌دهد که بین سن، سواد، وضعیت تأهل و بعد خانوار با میزان مشارکت زنان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد؛ ولی بین متغیرهای شغل و مالکیت اراضی با میزان مشارکت زنان رابطه معناداری مشاهده نشده است.

۴. ۳. اثرگذاری برنامه‌های آموزشی و ترویجی بر مشارکت زنان در فعالیتهای مختلف

کشاورزی

براساس جدول شماره (۶) که میانگین میزان اثرگذاری برنامه‌های آموزشی - ترویجی در میزان مشارکت در فعالیتهای مختلف را توسط پاسخ‌گویان زن نشان می‌دهد، میانگین پاسخ‌گویانی که معتقد هستند برنامه‌های آموزشی - ترویجی می‌توانند میزان مشارکت در فعالیتهای مختلف را افزایش دهند، برابر با ۳/۰۲ است که با پایداری برنامه‌های آموزشی و ترویجی در زمینه کشاورزی و دادن آموزش‌های لازم از سوی مروجان کشاورزی به‌خصوص برای زنان روستایی، باعث افزایش آگاهی آنان و افزایش مشارکت در فعالیتهای کشاورزی خواهد شد.

جدول ۶- میانگین اثرگذاری برنامه‌های ترویجی در مشارکت زنان در فعالیتهای مختلف

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۱

مشارکت	N تعداد کل نمونه	Mean میانگین	Std.Deviation انحراف معیار
توزیع پاسخ‌گویان	۲۰۶	۳/۰۲	۰/۹۶

جدول شماره (۷) توزیع فراوانی پاسخ‌گویان زن را برحسب اینکه معتقد هستند برنامه‌های آموزشی - ترویجی می‌توانند در میزان مشارکت در فعالیتهای مختلف مؤثر باشند، نشان می‌دهد. براساس این جدول، بیشترین فراوانی با ۶۳/۳٪ مربوط به کسانی است که میزان اثرگذاری آن را متوسط ارزیابی می‌کنند و کمترین فراوانی با ۸/۷٪ مربوط به کسانی است که اثرگذاری آن را کم ارزیابی می‌نمایند.

جدول ۷- توزیع فراوانی زنان پاسخ‌گو برحسب میزان اثرگذاری برنامه‌های آموزشی - ترویجی در میزان مشارکت در فعالیت‌های مختلف

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۱

شرح	فراوانی	درصد	درصد معتبر	درصد تجمعی
کم	۱۸	۸/۷	۸/۹	۹/۱
متوسط	۱۳۱	۶۳/۶	۶۵/۲	۷۴/۱
زیاد	۵۲	۲۵/۲	۲۵/۹	۱۰۰/۰
کل	۲۰۱	۹۷/۶	۱۰۰/۰	
داده‌از دست‌رفته	۵	۲/۴		
کل	۲۰۶	۱۰۰/۰		

۵. نتیجه‌گیری

طی نتایج به‌دست‌آمده از پژوهش‌های مربوط به مطالعات زنان، زنان روستایی با داشتن تجربه و دانش بومی در زمینه تولید محصولات غذایی، نقش بسیار مهمی در کشاورزی دارند؛ در نتیجه، تولید ۵۰ تا ۶۰٪ از غذای جهان را به‌عهده دارند (میانگین مشارکت زنان روستایی ایران نیز حدود ۴۰٪ برآورد شده است). توزیع پاسخ‌گویان زن برحسب مشارکت در فعالیت‌های مختلف در دهستان استرآباد شمالی نشان می‌دهد میانگین مشارکت زنان در فعالیت‌های کشاورزی، دامداری و باغداری برابر با ۲/۰۴ است. افزون‌براین، نتایج آزمون تی‌تست نشان می‌دهد از آنجایی که مشارکت زنان در فعالیت‌های مختلف کشاورزی در نمونه آماری کمتر از عدد ۳ است، بنابراین مشارکت زنان در فعالیت‌های مختلف کمتر از حد متوسط ارزیابی می‌شود و اینکه میانگین مشارکت زنان روستایی در فعالیت‌های مختلف بیشتر از حد متوسط است، رد می‌شود؛ اما براساس آزمون Anova، سن، سواد، وضعیت تأهل و بعد خانوار از عوامل تأثیرگذار در مشارکت زنان در فعالیت‌های مختلف کشاورزی هستند؛ اما شغل و مالکیت اراضی بر مشارکت زنان در فعالیت‌های کشاورزی تأثیری نمی‌گذارند که در این میان عوامل فردی، سن و سواد بر مشارکت زنان مؤثر هستند؛ به‌طوری‌که با افزایش سن، مشارکت افزایش

می‌یابد؛ ولی با افزایش سواد، مشارکت کاهش می‌یابد. به عبارت دیگر، زنان جوان روستایی که تحصیلات بیشتری دارند، تمایل کمتری به امور کشاورزی دارند و همین بالا بودن سن کشاورزان، از مشکلات کشاورزی کشور است که باید تمهیدات اساسی در این زمینه صورت گیرد. وجود رابطه مثبت بین بعد خانوار و میزان مشارکت زنان نیز مؤید همین موضوع است؛ یعنی، مشارکت زنان مسن‌تر - که عمدتاً کم‌سوادتر هستند - در خانوارهای پرجمعیت‌تر، بیشتر است. نقش و تأثیر برنامه‌های آموزشی و ترویجی با میانگین ۳/۰۲ نشان‌دهنده تأثیر فعالیت‌های در بیشتر شدن میزان مشارکت زنان روستایی در فعالیت‌های مختلف کشاورزی است که با اجرای برنامه‌های آموزشی و ترویجی در زمینه کشاورزی و دادن آموزش‌های لازم از سوی مروجان کشاورزی به‌ویژه برای زنان روستایی باعث افزایش آگاهی زنان روستایی از فعالیت‌های مختلف کشاورزی و بیشتر شدن مشارکت بیشتر آن‌ها در این فعالیت‌ها است. برای توانمندسازی زنان و فعالیت‌های آنان پیشنهادهایی ارائه می‌کنیم که عبارت‌اند از:

۱. آگاه‌سازی مردان در مورد جایگاه و منزلت زنان روستایی و تغییر نگرش مردان روستا نسبت به ارزش کار خانگی و کشاورزی زنان روستایی؛

۲. هماهنگی بین مروجان و محققان بخش‌های مختلف تحقیقاتی برای انتقال یافته‌های تحقیقاتی به زنان روستایی که از جمله تولیدکنندگان عمده محصولات زراعی، دامی و باغی هستند؛

۳. به دلیل اینکه بیشتر زنان روستایی فعال در بخش کشاورزی منطقه (۶۰٪) بزرگسال هستند و میزان بی‌سوادی در آن‌ها بالا است، ضرورت دارد که به وضعیت سواد و تحصیلات آن‌ها توجه بیشتری شود و از وسایل کمک آموزشی از قبیل نمایش فیلم، سخنرانی، ارائه نمونه‌های عینی و مزارع نمونه برای آموزش و ترویج استفاده شود؛

۴. به سبب بالا بودن بعد خانوار در منطقه (۵۵/۳ بین ۴ تا ۶ نفر)، ادامه سیاست‌های کنترل جمعیت در کاهش حجم کارهای خانه مؤثر است و می‌تواند فرصت بیشتری را برای کسب آموزش و دانش‌افزایی زنان فراهم سازد؛

۵. به دلیل نادیده گرفتن نقش زنان، بسیاری از آموزش‌ها به آنان داده نمی‌شود؛ اما به دلیل ارتباط زنان و کشاورزی پایدار (یعنی نوعی کشاورزی که علاوه بر برداشت از زمین، باعث تخریب آن یا منابع آب نشویم)، باید در مورد کاهش مصرف کود و سم آموزش‌هایی به زنان روستایی داده شود تا آنان را با خطرات مصرف بیش از حد سموم و کودها برای خاک و سفره‌های آب زیرزمینی و نیز سلامتی خودشان آشنا کند.

کتابنامه

۱. استانداری گلستان. (۱۳۹۰). «سالنامه آماری سال ۱۳۹۰» گرگان: استانداری گلستان.
۲. بوذرجمهری، خ؛ شایان، ح. و صادقی، ف. (۱۳۸۹). «تبیین مشارکت زنان روستایی در فعالیت‌های کشاورزی (مطالعه موردی: دهستان‌های بناجوی شرقی و شمالی شهرستان بناب آذربایجان شرقی)». مطالعات جغرافیایی مناطق خشک، ۱(۱): ۸۶-۶۹.
۳. تیرایی، م. و حسن‌نژاد، م. (۱۳۸۸). «بررسی عملکرد و عوامل مؤثر بر پذیرش برنامه‌های ترویجی اجراشده در مسیر فرایند توسعه کشاورزی (مطالعه موردی: گندمکاران شهرستان مشهد)». اقتصاد و توسعه کشاورزی (علوم و صنایع کشاورزی)، ۲۳(۱): ۶۸-۵۹.
۴. حسینی‌نیا، غ. و ملک‌محمدی، ح. (۱۳۸۰). «بررسی نگرش زنان روستایی به فعالیت‌های کشاورزی، دامداری، صنایع دستی، محیط روستا و برنامه‌های آموزشی-ترویجی». آموزش و ترویج، ۱۹(۲۲۱-۲۲۰): ۱۵-۷.
۵. حسینی‌نیا، غ. (۱۳۷۸). «بررسی عوامل دموگرافیک مؤثر بر آموزش زنان روستایی». ماهنامه علمی جهاد، ۲۰(۲۲۵-۲۲۴): ۳۳-۲۴.
۶. داس، م. (۱۳۷۳). «بهبود کارایی و مناسب بودن فعالیت‌های ترویج کشاورزی زنان». ترجمه سیدجمال فرجاله حسینی. تهران: نشر آدینه.
۷. شاهرودی، ع. ا. چیدری، م. و توسلی، ب. (۱۳۸۵). «تأثیر دانش بومی زنان روستایی در توسعه پایدار کشاورزی». ماهنامه علمی، اجتماعی و اقتصادی جهاد، ۲۵(۲۷۱): ۱۵۰-۱۳۸.

۸. علی بیگی، ا. ح. و بنی عامریان، ل. (۱۳۸۸). «عوامل دموگرافیک مؤثر بر مشارکت زنان روستایی در برنامه‌های ترویجی (مطالعه موردی: شهرستان سنقر و کلیائی)». مطالعات اجتماعی - روان-شناختی زنان، ۷(۲): ۱۱۵-۱۳۳.
۹. گای، د. (۱۳۷۱). «توسعه مشارکتی: چشم‌اندازهایی از تجربه‌های توده‌های روستایی». ترجمه عصمت قائم‌مقامی. گاهنامه روستا و توسعه، (۴).
۱۰. گل محمدی، ف؛ معتمد، م. ک. و بیتا، غ. ر. (۱۳۸۹). «ارزیابی برنامه‌های آموزشی-ترویجی کشاورزی انجام‌شده در ارتباط با زنان روستایی (مطالعه موردی: استان خراسان جنوبی)». چکیده مقالات همایش ملی توسعه پایدار روستایی با تأکید بر بخش کشاورزی، دانشگاه فردوسی مشهد: ۲۳ و ۲۴ شهریور، ۳۱۱-۲۹۴.
۱۱. مرکز آمار ایران. (۱۳۸۶). «سالنامه آماری کشور». تهران: دفتر اطلاع رسانی و پایگاه اطلاعات آماری.
۱۲. مرکز بهداشت شهرستان گرگان. (۱۳۹۱). «آمارگیری جمعیتی روستاهای شهرستان گرگان». گرگان: مرکز بهداشت و درمان.
۱۳. منفرد، ن. (۱۳۷۴). «سازدهای مؤثر بر پذیرش تکنولوژی در زراعت برنج و تأثیر آن بر زنان شالیکار در استان‌های مازندران و فارس». پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته ترویج، شیراز: دانشگاه شیراز.
۱۴. میرزایی، م. و شهیدی، ک. (۱۳۸۶). «بررسی عوامل مؤثر بر حضور زنان روستایی در فعالیت‌های آموزشی و ترویجی کشاورزی (مطالعه موردی: شهرستان‌های بافت و زرنده استان کرمان)». توسعه و بهره‌وری، ۲(۴-۳): ۱۱-۲.
۱۵. میرک‌زاده، ع. ا؛ علی‌آبادی، و. و شمس، ع. (۱۳۸۹). «واکاوی موانع مشارکت زنان روستایی در برنامه‌های آموزشی و ترویجی». فصلنامه روستا و توسعه، ۱۳(۲): ۱۶۵-۱۴۷.
16. Bala, B. & Sharam, S. D. (2008). "Contribution of Tribal Women in Temperate Horticulture". In S. S. Negi, G. Kalloo & K. K. Jindal (Eds). Proceeding of Severentth International Symposium on Tempratr Zone Fruits in the Tropics and Subtropics-Part Two, Acta Hort, 25 November 2005:583-588.
17. Leonard, M. (2001). "Old Wine in New Bottles? Women working inside and outside the Household". Women's Studies International Forum, 24(1): 67-78l.

18. Luqman, M.; Malik, N. H. & Khan, A. S. (2006). "*Extent of Rural Womens Participation in Agricultural land Household Activies*". Journal of Agriculture & Social Sciences. 2(1-9): 1813-2235.
19. Mead, H.; Mitkowski, K.; Gault, B. & Hartmann, H. (2001). "*The Influence of Income, Education and Work Status on Women New Being*". Women's Health Issues, 11(3):160-172.
20. Saha, D. K. & Mathur, N. (2001). "*Differential Characters and Work Participation of Women in an Arid village of Western Rajasthan*". Journal of Man in India, 81(3-4): 305 -311.





پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی